

## راهبردهای درون‌گروهی امامین صادقین علیهم السلام در قوام‌بخشی به هویت شیعیان

محمدعلی توحیدی‌نیا<sup>۱</sup>

### چکیده

تاریخ شیعه امامی از نظر هویتی، موضوعی است که بیش‌ازپیش در مطالعات اخیر مورد توجه قرار گرفته است. از مسائل این حوزه، چگونگی عبور از چالش‌های هویتی پیش روی امامیه در دوره‌های گوناگون است. عصر امامین صادقین علیهم السلام از مقاطعی است که عملکرد و اقدامات گسترده فرق غیرشیعه در ترویج باورهایشان و محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی برآمده از عملکرد حاکمان وقت نسبت به ائمه علیهم السلام و پیروانشان، می‌توانست برخی شیعیان را با خطر تزلزل و تردید در فضای چالش‌های هویتی مواجه کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی ابعاد چالش‌های هویتی به این مسئله پاسخ می‌دهد که امامین صادقین علیهم السلام چه راهبردهای درون‌گروهی‌ای در قوام‌بخشی به هویت شیعیان به‌کار می‌بردند. مجموعه اقدامات قوام‌بخش امامین صادقین علیهم السلام نشان از قابل طرح بودن شش راهبرد اساسی در برابر چالش‌های پیش روی شیعیان دارد که عبارتند از: تقویت همبستگی میان شیعیان، حفظ شعائر و میراث فرهنگی شیعه، توجه دادن به فضائل و امتیازات شیعه، تقویت و تداوم یاد و نام اهل بیت علیهم السلام، تقویت بنیه علمی شیعیان و تقویت بنیه عبودیت شیعیان.

**واژگان کلیدی:** امامین صادقین علیهم السلام، اقدامات راهبردی امامین صادقین علیهم السلام،

هویت شیعه، قوام‌بخشی به هویت شیعیان.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵  
۱. دانش‌آموخته سطح سه، مرکز تخصصی کلام اسلامی، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ایران/دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران.

## ۱. مقدمه

هویت یا Identity از مفاهیم مهم مربوط به علوم انسانی در اواخر قرن بیستم است که از سویی به تفاوت‌های متمایزکننده و ازسوی دیگر به ویژگی همسان و پیوندساز میان افراد دلالت دارد. (فکوهی، ۱۳۸۰) براساس یک تعریف در میان دیدگاه‌های مطرح اندیشمندان علوم اجتماعی، هویت امری است که در تعریف آن بر کیستی و چیستی و به عبارتی پشتوانه‌های معرف آن در تمایز با غیر تکیه می‌شود (جنکینز، ۱۳۹۴). چیستی و چگونگی شکل‌گیری هویت شیعه امامی نیز از موضوعات مورد توجه محققان به‌ویژه تاریخ‌شناسان در چند دهه اخیر بوده است. برخی از این مطالعات در مورد هویت یک‌گروه از نظر جاری شدن آن در عمل و رفتار گروه در عرصه‌های گوناگون است (ر.ک.، غفوری‌نژاد و مهدی‌زاده‌آری، ۱۳۹۸) و برخی دیگر با محوریت دادن به بنیادهای فکری که اساس شکل‌گیری و حرکت یک‌گروه است این موضوع را بررسی کرده‌اند (ر.ک.، مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۹؛ نوربخش، ۱۳۸۷؛ محرمی، ۱۴۰۲؛ یوسفی‌غروی، طباطبایی و سبحانی، ۱۳۸۸). بقاء و تداوم هویت شیعی امامی از موضوعاتی که از نظر مطالعات تاریخی کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. بسیاری گروه‌های مذهبی و سیاسی را می‌توان نام برد که کمتر از یک‌سده عمر کرده‌اند یا در طی زمان ضعیف شده، یا به شکلی بسیار محدود توسط اندکی دنبال شده و یا حتی در گروه‌های دیگر هضم شده‌اند. محققان معتقدند که پس از شکل‌گیری یک هویت جمعی که نشان از تحقق و ثمربخش بودن آگاهی‌بخشی‌های منجر به هویت بخشی است، این هویت با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شود؛ چالش‌هایی که در محیط جامعه پدیدار شده و آن را هدف قرار دهد که در ادبیات علمی جامعه‌شناسان از آن به چالش‌های هویتی یاد می‌شود. (افتخاری، ۱۳۸۳) در پژوهش حاضر یکی از مقاطع مهم و چالش‌برانگیز حیات هویت شیعه امامی یعنی، دوران امامت امامین صادقین (علیه‌السلام) بررسی شد. در دوران متعدد تاریخی، با توجه به مواضع و اقدامات حاکمان اموی و عباسی در برابر شیعه و به‌ویژه چالش‌های متعدد فکری ازسوی دیگر گروه‌ها و فرقه‌ها، محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی همواره گریبان‌گیر امامی‌مذهبان می‌شد. در این مسیر برای حفظ و بقای هویت، همواره راهبردها و راهکارهای گوناگونی به‌کار گرفته می‌شد. در غیر این صورت ممکن بود مؤلفه‌های فکری و عناصر عملی و رفتاری هویت دستخوش دگرگونی‌های



اساسی شود و معتقدان این هویت به هویت‌های رقیب روی آورند. این موضوع به‌ویژه در صورتی که یک هویت در حفظ نظام فکری و عمل گروهی خود منسجم عمل نکند و هویت رقیب نیز در ظاهر دارای مزیت‌هایی باشد به احتمال قوی رخ خواهد داد. از این رو، می‌توان این پرسش را مطرح کرد که در دوران امامین صادقین علیهم‌السلام و با وجود چنین چالش‌هایی که پیش روی شیعیان قرار داشت هویت شیعه چگونه حفظ شد و دچار تزلزل و رخوت نگردید؟ بر این اساس این پرسش اصلی که چه راهبردهای درون‌گروهی از سوی امامین صادقین علیهم‌السلام برای قوام‌بخشی به هویت شیعیان و بقا و تحکیم مؤلفه‌های هویتی آنها صورت گرفته است، مورد بررسی قرار گرفت و با بهره‌مندی از نمونه روایات و گزارش‌های نقل شده در منابع به این پرسش پاسخ داده شد. در ادامه برای روشن شدن مسئله، برخی مفاهیم ناظر به عصر صادقین علیهم‌السلام تبیین شد.

هویت، سبب می‌شود که به‌طور هم‌زمان میان افراد دو گروه، نسبت شباهت و تمایز به وجود آید تا از یکدیگر شناسایی شوند (ر.ک. جنکینز، ۱۳۹۴)، اما برای درک آن در دوره مورد نظر باید به چند شاخصه توجه داشت: نخست اینکه هویت امری خود به خودی نیست و ساخته می‌شود. هیچ‌گاه یک اجتماع به یک باره صاحب یک هویت نمی‌شود (میری، ۱۳۹۹) بلکه نخست زمینه‌های آن در فضای جامعه به وجود می‌آید و سپس، عوامل اجتماعی مهمترین نقش را در تنظیم و آگاهی بخشی نسبت به آن ایفا می‌کنند (معینی‌علمداری، ۱۳۸۳). هویت شیعه امامی در قالب یک گروه مذهبی، مجموعه‌ای از باورها و رفتارهاست که از سوی ائمه معصومین علیهم‌السلام و از جمله امامین صادقین علیهم‌السلام نزد شیعیان مطرح شده است. برای نمونه می‌توان از میان باور به امامت الهی، مهدویت و رجعت و یا باور به تنزیه و امر بین‌الامرین، کنش‌های متمایز عبادی و سیاسی را برشمرد.

در مورد قوام‌بخشی در کنار شناخت و آگاهی مستمر و مؤثر که باعث ایجاد هویت می‌شود (شاکری، ۱۳۸۳) فقط با وجود برنامه‌ای مشخص و مجموعه‌ای از اقدامات است که در صحنه جامعه، افراد همچنان با پایبندی به مؤلفه‌های هویتی در کنار هم جمع می‌شوند و حیات بیرونی هویت را تداوم می‌دهند. اگر شاخصه اقدام هویت‌بخش، تمرکز بر آگاهی بخشی در مورد مؤلفه‌های بنیادی هویت باشد، شاخصه اقدام قوام‌بخش، تمرکز و





تلاش برای بقای آن هویت است که در عموم موارد در برابر چالش‌ها و خطرات تهدیدکننده هویت رخ می‌نماید. این اقدامات قوام‌بخش می‌تواند از سوی امامین صادقین (علیهم السلام) به دو صورت انجام شود. گاه برای مقابله با چالش‌ها، طرف تمایز مورد توجه قرار می‌گیرد و با آن مقابله می‌شود و گاه برای مقابله با چالش در مواجهه با خود شیعیان، تمهیداتی اندیشیده می‌شود. بنابراین، مقصود از درون‌گروھی، اقدامات قوام‌بخش امامین صادقین (علیهم السلام) با مخاطب قرار دادن و انتظار داشتن از خود شیعه امامی است (رک، جنکینز، ۱۳۹۴، ص ۱۳۵-۱۵۱).

راهبرد عبارت است از: روش یا سیاستی کلی برای نیل به مقصود. (انوری، ۱۳۸۱، ۳۷۲/۱) اقدامات امامین صادقین (علیهم السلام) برای قوام‌بخشی درون‌گروھی به هویت شیعه امامی به دو دسته تقسیم می‌شد: نخست، اقدامات راهبردی که شامل مواردی که ناظر به هدف اصلی (قوام‌بخشی به هویت شیعیان) است، می‌باشد و به منزله پل ارتباطی برای تداوم هویت است. دوم، مجموعه اقدامات جزئی‌تر برای تحقق هریک از راهبردهاست. پنج شاخصه برای شناسایی راهبردهای مورد نظر عبارتند از:

- اقداماتی که شیعیان امامی را مخاطب قرار داده و ناظر به انتظار مطرح شده از آنان باشد؛

- اقداماتی که وجه جمعی دارد و ناظر به تمام شیعیان است؛

- اقداماتی که به پیکره اجتماعی شیعیان مربوط است نه حیات فردی آنها؛

- اقداماتی که ناظر به مقابله با خطر و چالش هویتی از طرف گروه‌های طرف تمایز قابل

بررسی است؛

- اقداماتی که مرتبط با بقا و تداوم هویت شیعی است.

در بررسی‌ها و شناسایی راهبردها باید به دو نکته توجه کرد: نخست اینکه با تحقق

نفس هویت شیعی امامی در عصر امامین صادقین (علیهم السلام) - فارغ از چند و چون ظهور و

بروز مؤلفه‌های هویتی - قوام‌بخشی به هویت شیعی امری ضروری بوده است. بنابراین،

مجموعه اقدامات برای بسط مؤلفه‌های هویتی امری است که منافاتی در هم‌زمانی با

اقدامات قوام‌بخش ندارد. دوم اینکه، به نظر می‌رسد نگارنده معتقد است اگر داده‌های

تاریخی از وقوع مشکل و چالشی در جامعه شیعیان خبر دهد و همچنین مشاهده شود

که اقداماتی از طرف امام (علیهم السلام) انجام گرفته است که پیامد آن می‌تواند از خطر و چالش

جلوگیری کند، در اثبات ارتباط کلی اقدام امام علیه السلام در مواجهه با چالش کافی است و بررسی آن اقدام به مثابه راهبردی در برابر چالش ممکن به نظر می‌رسد. از این رو، لزومی ندارد که دنبال‌کنندگان و مجریان چالش یا مقابله‌کنندگان با آن از چنین نسبتی میان چالش و رویارویی با آن به طور واضح خبر داده باشند.

## ۲. راهبرد تقویت همبستگی میان شیعیان در دوران امامین صادقین علیهم السلام

در عصر امامین صادقین علیهم السلام شیعیان در اقلیت بودند و برخلاف برخی علمای فرق غیرشیعه نه فقط مورد حمایت حکومت نبودند بلکه به دلیل عدم همراهی با حاکمان وقت با محدودیت‌های سیاسی-اجتماعی متعددی روبه‌رو بودند. (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق) برای نمونه، منصور در مدینه جاسوسانی داشت تا عناصری را که با شیعیان امام صادق علیه السلام ارتباط مشکوکی داشتند معرفی یا حذف کنند (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۲۵۱/۱). همچنین می‌توان به اتهاماتی مانند رفض اشاره کرد که برای به خطر افتادن امنیت جانی و مالی شیعیان کافی بود (برقی، ۱۳۷۱/۱، ۱۵۷/۱). این محدودیت‌ها (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۱۳۳/۳) می‌توانست بر روابط شیعیان با یکدیگر تأثیر بگذارد و موجب گسست اجتماعی، انزوای شیعیان، مشکلات اقتصادی و حتی سست شدن پایه‌های اعتقادی آنها شود. اینکه محدودیت‌ها در قبال گروه اقلیت می‌تواند موجب انزوا و گسست اجتماعی شود از شواهد ذکر شده قابل استفاده است.

### ۱-۲. توصیه به روابط صمیمی میان شیعیان

پیش از هر سخن باید اشاره کرد که ممکن است اقداماتی مشابه اقدامات امامین صادقین علیهم السلام در فعالیت دیگر گروه‌های فکری و سیاسی هم دیده شود و این نباید موجب تردید در اهمیت اقدام امام علیه السلام شود. در این اقدام، امامین صادقین علیهم السلام برداشتن روابط حسنه و ملاقات شیعیان با یکدیگر به روش‌های گوناگون تأکید داشتند. برای نمونه امام باقر علیه السلام خطاب به یکی از اصحاب خود دوست داشتن مؤمن در راه خدا را از بزرگ‌ترین شعبه‌های ایمان دانست (برقی، ۱۳۷۱/۱، ۲۶۳/۱) و شیعیان امام علی علیه السلام را از کسانی برشمرد که در راه دوستی ایشان به یکدیگر محبت می‌کنند و برای زنده نگه داشتن امر اهل بیت علیهم السلام به دیدار یکدیگر می‌روند (صدوق، ۱۳۶۲). آن حضرت در تشویق شیعیان برای ملاقات با یکدیگر آثار



دیدار و محبت به یکدیگر و ثواب‌های متعددی را برای هر گام یا عمل دیدار با شیعیان بیان می‌کرد (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۸۳/۲). امام صادق علیه السلام نیز در بیانی به خوش رفتاری با برادران، دوستی در راه خدا و پیوستگی، مهر ورزیدن، ملاقات و دیدار با یکدیگر سفارش می‌فرمود و این عمل را با ولایت اهل بیت علیهم السلام و زنده نگه داشتن آن امر مرتبط می‌دانست (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۷۵/۲). همچنین برای ترغیب شیعیان به ملاقات با یکدیگر آثار آن را بیان فرمود و دیدار برادر مؤمن برای خدا را برتر از آزاد کردن ده بنده مؤمن (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۷۸/۲)، موجب پاک شدن و بهشتی شدن (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۷۵/۲) و قدم گذاشتن در میان پارچه‌هایی از نور در قیامت (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۷۷/۲) دانست. امام صادق علیه السلام همچنین زیارت یکدیگر را موجب زنده شدن دلها و یاد کردن احادیث دانست که اگر به آن عمل شود موجب هدایت و نجات است (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۸۶/۲).

برقراری الفت و اصلاح بین شیعیان نیز بخش دیگری از اقدام امامین صادقین علیهم السلام در تألیف بین قلوب شیعیان بود؛ چراکه ظهور اختلافات بین شیعیان در جامعه اسلامی می‌توانست مقدمه‌ای برای گسست و ضعف آنها شود. امام باقر علیه السلام از خداوند برای شیعه‌ای که بین دو تن از دوستانشان الفت انداخت طلب رحمت کرد. (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۴۵/۲) امام صادق علیه السلام ایجاد الفت بین دو نفر را محبوب‌تر از دو دینار صدقه در راه خدا می‌دانست (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۰۹/۲) و به مفضل توصیه کرد تا از اموال ایشان برای برطرف کردن اختلافات مالی شیعیان استفاده کند. وی نیز با پرداخت پولی مشاجره بین دو نفر از شیعیان در مورد میراث را برطرف کرد (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۰۹/۲). امام صادق علیه السلام اصلاح میان مردم پس از اختلاف و فساد و نزدیک کردن آنها به یکدیگر پس از دوری را صدقه‌ای دانست که خدا دوست دارد (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۰۹/۲).

## ۲-۲. توصیه به حمایت و دستگیری شیعیان از یکدیگر

در وضعیتی که دشمنان اهل بیت علیهم السلام حکومت را در دست داشتند و امامین صادقین علیهم السلام و شیعیان از طرف حاکمان با محدودیت‌هایی مواجه بودند و همچنین برخی شیعیان در فشار اقتصادی (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۸۳/۴) و تقیه زندگی را می‌گذراندند توصیه به حمایت و دستگیری شیعیان از یکدیگر می‌توانست انگیزه آنها را در کمک‌رسانی به یکدیگر تقویت

کند و کاهش مشکلات آنها را به دنبال داشته باشد. امام باقر علیه السلام آثار یاری نمودن یکدیگر را برشمرد و برای نمونه برآورده کردن حاجت مؤمن را سبب برآورده شدن حوائج بسیار مانند بهشتی شدن وی بیان می فرمود (ر.ک.، حمیری، ۱۴۱۳ هـ.ق). آن حضرت علیه السلام حتی اندوه مؤمن به دلیل عدم قدرت بر حل مشکل مؤمنی که به وی مراجعه کرده را سبب ورودش به بهشت برشمرد (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۹۶/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۹۵/۲). همچنین امام باقر علیه السلام توانمندان را به یاری ناتوانان و ثروتمندان را به کمک رسانی به فقرا توصیه می فرمود. ایشان همچنین به خیرخواهی برای برادر دینی مانند خیرخواهی برای خود سفارش می کرد (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۲۲/۲؛ طبری آملی، ۱۳۸۳). آن حضرت تأکید می کرد: «به اصحاب ما بگویید ثروتمندانشان به نیازمندان و توانمندانشان به ناتوانان یاری رسانند» (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۷۵/۲). ایشان به اطعام شیعیان نیز توصیه و تشویق می کرد و آثاری را برای آن برشمرد (برقی، ۱۳۷۱، ۳۹۷/۲).

به نظر می رسد امام باقر علیه السلام از شیعیان توقع روابط بسیار نزدیک با یکدیگر برای سهولت در رفع نیازهای یکدیگر را داشت تا آنجا که یکی از شیعیان نیازمند شد، بتواند دستان خود را در جیب برادر دینی اش برد و نیاز خود را برطرف کند. (ر.ک.، مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق؛ کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۷۳/۲) اهمیت این موضوع نزد آن حضرت به قدری است که پس از آنکه فردی از کثرت شیعیان سخن گفت، آن حضرت با طرح سؤالاتی فرمود: «آیا توانگران به مستمندان مهربانی و توجه می کنند؟ خوش کرداران از بدکاران گذشت دارند و با یکدیگر مواسات می کنند؟». حضرت در ادامه و پس از شنیدن پاسخ منفی از سوی آن مرد فرمودند: «آنها شیعه نیستند، شیعه کسی است که چنین کند». (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۷۳/۲؛ اربلی، ۱۳۸۱، ۱۳۱/۲). ایشان در بیانی شیعیان را به مساوات در اموال و انفاق به فقرا امر فرمود (ر.ک.، قاضی نعمان مغربی، ۱۳۸۵، ۶۴/۱، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۷۳/۲). امام باقر علیه السلام حق مؤمن بر برادر مؤمنش را سیر کردن وی هنگام گرسنگی، پوشاندن عورتش، نجات دادن از گرفتاری ها، پرداخت بدهی و سرپرستی خانواده پس از فوت او دانست (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۶۹/۲). امام صادق علیه السلام نیز مؤمنان را به پیکری تشبیه کرد که هرگاه عضوی از آن دردمند شود اعضای دیگر هم احساس درد کنند (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۶۶/۲). ایشان قرار دادن حق مشخصی از اموال برای دیگران و مواسات با یکدیگر را از ویژگی های شیعیان برشمرد (ر.ک.، صدوق، ۱۳۶۲) و مؤمنین را خدمتگزار یکدیگر دانست که به یکدیگر فایده می رسانند (ر.ک.،



کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۶۷/۲، امام باقر علیه السلام در مواجهه با فردی که در پاسخ به سؤال ایشان عیادت و کمک برادران توانگرش را به تهی‌دستان به ندرت دانست، فرمود: «پس آنها چگونه می‌پندارند که از شیعیان ما هستند» (صدوق، ۱۳۶۲).

### ۳. راهبرد حفظ شعائر و میراث فرهنگی شیعه

اعتقاد به امام معصوم مهمترین اصل متمایزکننده شیعیان از سایر مسلمانان است و یاد کردن از وقایع مهمی که مرتبط با اصل امامت بود علاوه بر آنکه موجب زنده نگه داشتن آن واقعه می‌شد تقویت مؤلفه‌های اساسی هویت شیعی را به دنبال داشت. این درحالی بود که اقداماتی از جانب برخی حاکمان، جریان‌ها و فرقه‌ها برای فراموش کردن رویدادهای مهم مرتبط با شیعیان انجام می‌گرفت. برای نمونه ابوحنیفه که از سران سرشناس مرجئه بود (ر.ک.، ابن‌عبدالبر، ۱۳۸۷؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۳۶۹/۱۳) پیروانش را از نقل حدیث غدیر منع می‌کرد (ر.ک.، مفید، ۱۴۱۴ هـ.ق) و از نقل برخی احادیث که بیان‌کننده فضائل امام علی علیه السلام بود، ناخشنود می‌شد (ر.ک.، طوسی، ۱۴۱۴ هـ.ق). بنابر گزارشی، خوارج سیستان، امام علی علیه السلام را دشنام می‌دادند و بنابر فرموده امام صادق علیه السلام محل دفن پیکر مطهر امام علی علیه السلام به دلیل در امان ماندن از حمله‌های بنی مروان و خوارج مخفی بود (سیدبن طاووس، ۱۴۱۹ هـ.ق). امویان به‌ویژه حجاج بن یوسف ثقفی (م ۹۵ق) در عصر خلافت عبدالملک (ج ۶۵-۸۶ق) به مناسبت پیروزی یزید بر امام حسین علیه السلام عاشورا را عید گرفتند، شادمانی کردند و روزه گرفتند (مقریزی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۴۳۶/۲؛ بیرونی، ۱۳۸۰). همین امر سبب می‌شد تا یکی از راهبردهای قوام‌بخش به هویت شیعه توسط امامین صادقین علیه السلام، استوارسازی شعائر و میراث گران‌بهای شیعی و به‌ویژه وقایع مهم مرتبط با مؤلفه محوری هویت شیعه یعنی، امامت باشد.

### ۳-۱. راهبرد بزرگداشت روز عید غدیر

هجدهم ذی‌الحجه روزی است که امام علی علیه السلام در جمعی عظیم به جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی شد. سالروز این واقعه اهمیت و جایگاه والایی نزد ائمه علیهم السلام و شیعیان ایشان داشت و ائمه علیهم السلام در موقعیت‌های گوناگون درصدد بزرگداشت این روز و زنده نگه داشتن آن با بیان فضیلت این روز و آداب آن برای شیعیان بودند. امام باقر علیه السلام روز غدیر را روز عید (ر.ک.،



کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۴۹/۴) و بزرگ‌تر از عید فطر و قربان و جمعه (ر.ک.، صدوق، ۱۴۰۶ هـ.ق) دانست و غدیر را نسبت به آن سه عید مانند ماه در میان ستارگان برشمرد (ر.ک.، سیدبن طاووس، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۴۶۴/۱) که در آسمان مشهورتر از زمین است (ر.ک.، طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۵/۶). ایشان فرمود: «روز غدیر، روز عید و شادی و سرور است و روز روزه‌داری به عنوان سپاس نعمت الهی است» (طوسی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ۷۳۷/۲). آن حضرت نام «یوم العهد المعهود» و «یوم الميثاق المأخوذ والجمع المشهود» را به ترتیب از نام‌های این روز در آسمان و زمین برشمرد (ر.ک.، طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۴۳/۳) و شناخت فضیلت این روز را موجب مصافحه فرشتگان با آنها و شناخت این روز را سبب بخشش غیرقابل شمارش خدا دانست (ر.ک.، طوسی، ۱۴۱۱ هـ.ق).

امام صادق علیه السلام نیز به اعمال روز غدیر اشاره کرده و آن روز را روز روزه‌داری و عبادت و طعام دادن و به دیدار برادران دینی رفتن دانست (ر.ک.، سیدبن طاووس، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۴۶۴/۱). ایشان دادن یک درهم به برادران باایمان در این روز را برابر هزار درهم دانست و به انفاق و شاد کردن مؤمنین در این روز سفارش فرمود (ر.ک.، طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۴/۶). امام صادق علیه السلام به دورد فرستادن بر محمد و آل ایشان و برائت جستن از ستمگران توصیه کرد (ر.ک.، طوسی، ۱۴۱۱ هـ.ق) و ارزش عمل در این روز را برابر هشتاد ماه دانست (ر.ک.، صدوق، ۱۴۰۶ هـ.ق). ایشان همچنین به صلح‌رحم و دیدار برادران (ر.ک.، طوسی، ۱۴۱۱ هـ.ق) و پوشیدن پاکیزه‌ترین و فاخرترین لباس در این روز توصیه نمود (ر.ک.، سیدبن طاووس، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۴۷۴/۱). معرفی این روز در قالب بزرگ‌ترین اعیاد و بیان فضایل این روز برای شیعیان می‌توانست تقویت امامت باوری را در آنها به دنبال داشته باشد. همچنین برخی آداب و اعمال این روز مانند دادن عیدی، اطعام کردن، صلح‌رحم و دیدار برادران موجب روابط بیشتر شیعیان با یکدیگر، انسجام بیشتر آنها و عدم احساس ضعف در آنها می‌شد.

### ۳-۲. زنده نگاه داشتن قیام امام حسین علیه السلام

قیام امام حسین علیه السلام نقش بی‌بدیلی در هویت شیعه و حفظ ابعاد مذهبی و سیاسی آنها داشت. از این رو، زنده نگه این قیام از مهمترین اقداماتی است که ائمه علیهم السلام پس از شهادت مظلومانه آن حضرت و اصحابش بر آن تأکید داشتند. این موضوع در بیانات امامین صادقین علیهم السلام در ابعاد مختلف ظهور و بروز داشت. پیش از شهادت امام حسین علیه السلام



نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام به این واقعه عظیم و دردناک اشاره نموده بودند (ر.ک.، صدوق، ۱۳۷۶؛ مفید، ۱۴۱۳ ه.ق، ۱۳۰/۲؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶). همچنین پس از شهادت امام حسین علیه السلام، امام سجاد علیه السلام در موقعیت های مختلفی از حادثه عاشورا یاد می کرد (ر.ک.، صدوق، ۱۳۶۲؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶؛ طوسی، ۱۴۱۴ ه.ق). کثرت یادآوری قیام کربلا علاوه بر آنکه نشان دهنده عظمت اندوه وارده بر ائمه علیهم السلام بود اهداف قیام امام حسین علیه السلام را برای شیعیان یادآوری می کرد و در قالب یکی از مهمترین شعائر مذهبی، موجب استواری هویت شیعه می شد. از این رو، امامین صادقین علیهم السلام از هر فرصتی برای احیای آن اقدام می کردند. امام باقر علیه السلام آداب و شیوه زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا را برای کسی که امکان زیارت برایش نیست، بیان نموده است (ر.ک.، ابن قولویه، ۱۳۵۶). امام صادق علیه السلام نیز برای روز عاشورا آدابی همچون نخوردن و نیاشامیدن جز مقداری آب بعد از نماز عصر عاشورا، لباس پوشیدن مانند صاحبان عزا، نماز خواندن با آدابی خاص، سلام دادن بر امام حسین علیه السلام رو به جانب قبر مطهرش، نفرین بر قاتلان ایشان و تبری جستن از افعالشان را توصیه می کرد (ر.ک.، طوسی، ۱۴۱۱ ه.ق). امامین صادقین علیهم السلام علاوه بر آنکه چگونگی رخدادهای عاشورا و ابعاد آن را توصیف می کردند (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۱۴۷/۴) فضیلت و ثواب سوگواری و اشک ریختن بر امام حسین علیه السلام را نیز بیان می فرمودند (ر.ک.، ابن قولویه، ۱۳۵۶). وقتی کمیت اشعاری را که در آن به واقعه کربلا اشاره داشت نزد امام باقر علیه السلام خواند، آن حضرت گریست و برای کمیت دعا کرد (خزاز رازی، ۱۴۰۱). امام صادق علیه السلام نیز خطاب به جعفر بن عفان، بهشت را پاداش الهی برای کسی دانست که درباره امام حسین علیه السلام شعری بگوید و با آن بگیرد و بگریاند (ر.ک.، کشی، ۱۳۶۳/۱، ۲۸۹). همچنین امام باقر علیه السلام با شعری که توسط جعفر بن عفان طائی در رثای امام حسین علیه السلام سروده شد گریست و فرمود: «احدی نیست که درباره مصیبت حسین بن علی علیه السلام شعر بگوید، گریه کند و دیگران را گریان نماید مگر اینکه خداوند - از سر رحمت خود - بهشت را بر او واجب می کند و او را می آموزد» (کشی، ۱۳۶۳/۲، ۵۷۴). تأکید بر زیارت قبر امام حسین علیه السلام و بیان ثواب و آثار آن از دیگر اقدامات امامین صادقین علیهم السلام در ارتباط این موضوع است. (ر.ک.، مفید، ۱۴۱۳ ه.ق، ۲۶/۱) بنابر گزارشی امام صادق علیه السلام تعجب کرد که چگونه برخی خود را شیعه می نامند، ولی به زیارت قبر امام حسین علیه السلام نمی روند (ر.ک.، ابن قولویه، ۱۳۵۶). این در حالی بود که سفر به سرزمین کربلا

می‌توانست مخاطراتی برای برخی شیعیان داشته و مانعی برای این سفر باشد. مسمع بن عبدالملک که در بصره زندگی می‌کرد در پاسخ به سؤال امام صادق علیه السلام در مورد چرایی عدم زیارت قبر امام حسین علیه السلام ایشان را از شهرت خود در بصره و وجود دشمنان بسیار در این شهر باخبر کرد (ر.ک.، ابن قولویه، ۱۳۵۶). در برخی روایات نقل شده از امامین صادقین علیهما السلام به آثار زیارت قبر امام حسین علیه السلام همراه با خوف در روز قیامت اشاره شده است که سختی‌های این سفر برای برخی شیعیان در آن دوران را تأیید می‌کند (ر.ک.، ابن قولویه، ۱۳۵۶).

به نظر می‌رسد شرایط برای همه شیعیان در تمام دوران امامین صادقین علیهما السلام یکسان نبود و برخی شیعیان برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام با سختی کمتری مواجه بودند. بنابر گزارشی به امام صادق علیه السلام خبر رسید که جمعیتی از اطراف کوفه و جاهای دیگر در نیمه شعبان به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رفته و سوگواری و مرثیه‌سرایی می‌کنند و حضرت نیز از این امر اظهار خشنودی کرد. (ر.ک.، طوسی، ۱۴۱۴ ه.ق) از دیگر اقدامات امامین صادقین علیهما السلام که سبب احیای نام امام حسین علیه السلام و عظمت بخشیدن به آن می‌شد تبیین فضایل و آثار مهم مترتب بر تربت مزار سیدالشهدا علیه السلام بود (ر.ک.، طوسی، ۱۴۱۴ ه.ق). امام صادق علیه السلام سجده بر تربت قبر امام حسین علیه السلام را موجب نورباران شدن تا زمین هفتم دانست (ر.ک.، صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ۲۶۸/۱) و یا آن را سبب کنار رفتن حجاب هفت‌گانه می‌دانست (ر.ک.، طوسی، ۱۴۱۱ ه.ق، ۷۳۳/۲). آن حضرت همچنین به آثار استفاده از تسبیح تربت نیز اشاره فرموده است (ر.ک.، مفید، ۱۴۱۳ ه.ق). توصیه به بازکردن کام نوزاد با تربت امام حسین علیه السلام و یادکردن از ایشان هنگام نوشیدن آب از دیگر اقدامات امامین صادقین علیهما السلام در ارتباط با این موضوع است (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۲۴/۶؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶). تمام این اقدامات می‌توانست گامی برای استوارسازی شعائر مذهب شیعه و عاملی در تقویت بنیان هویتی آنها باشد.

#### ۴. راهبرد توجه دادن به فضائل و امتیازات شیعه

جمعیت کمتر شیعیان نسبت به سایر مسلمانان و تلاش برای تخریب وجهه آنها از راه‌های مختلفی مثل به‌کار بردن عباراتی مانند رافضی و... در مورد ایشان (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۷۷/۲)، عدم قبول شهادت آنها در محاکم (ر.ک.، کشی، ۱۳۶۳) و بدگویی در مورد سران شیعیان می‌توانست



سبب احساس ضعف، ناامیدی و دلگیری در میان برخی شیعیان شود به طوری که جایگاه اجتماعی خود را نسبت به دیگر مسلمانان پایین تر ببینند. امامین صادقین علیهم السلام در برابر این چالش اقداماتی انجام دادند که می توانست شیعیان را نسبت به جایگاه والا و امتیازات آنها آگاهی بخشیده و مانع از دلسرد شدن آنها شود که به برخی در ذیل اشاره می شود.

#### ۴-۱. تبیین فضائل و امتیاز جایگاه شیعیان

تبیین امتیازات و برتری شیعیان نسبت به سایر مسلمانان در دنیا و آخرت از اموری است که بارها مورد تأکید امامین صادقین علیهم السلام قرار گرفته است. این اقدام علاوه بر آنکه سبب ثبات قدم شیعیان در اعتقاداتشان می شد عامل مهمی در تقویت هویت شیعی و تمایز و خطکشی اعتقادی با سایر فرق و مذاهب اسلامی بود. برای نمونه امام باقر علیه السلام خطاب به برخی از شیعیان در کنار مسجد نبوی و قبر پیامبر صلی الله علیه و آله سلام کرده و فرمود: «به خدا قسم! بو و جان های شما را دوست دارم» (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۱۳/۸). آن حضرت ایشان را یاران خدا و پیشی گیرندگان اول و آخر دانست که در دنیا برای محبت به ایشان و در آخرت برای وارد شدن به بهشت سبقت گیرنده اند. امام باقر علیه السلام بهشت را به ضمانت خدا و رسولش برای آنها ضمانت کرده و در ادامه شیعه را عزت، ستون و شرف اسلام معرفی نمود و سید مجالس را مجالس شیعه و پیشوای زمین را زمینی برشمرد که شیعه در آن سکونت کند (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۱۳/۸). امام باقر علیه السلام در پایان فرمایش خود به سخن امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره کرد که فرمود: «اهل ولایت ما درحالی از قبرهایشان برانگیخته می شوند که همه مردم ترسان و ناراحتند و آنها ترس و ناراحتی ندارند» (صدوق، بی تا). آن حضرت در بیان دیگری حق شفاعت خویشان را برای شیعیان ثابت دانست (ر.ک.، قمی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۰۲/۲). همچنین امام صادق علیه السلام نیز آیات نازل شده درباره بهشت و اهل آن را در مورد خودشان و پیروانشان و آیات نازل شده درباره جهنم را در مورد دشمن خود و کسی که مخالف ایشان است، دانست (ر.ک.، صدوق، بی تا). آن حضرت به فرموده رسول اکرم صلی الله علیه و آله اشاره نمود که امام علی علیه السلام و شیعیانشان را از بیرون آمدن از قبورشان با چهره هایی همچون ماه تابان، هموار شدن سختی ها بر ایشان و آرام گرفتن بدون هراس و ترسی در زیر سایه عرش خداوند درحالی که مردم هراسناک می باشند، باخبر کرد (ر.ک.، صدوق، بی تا).

امام صادق علیه السلام تأکید داشت که جز شیعیان کسی رسول خدا صلی الله علیه و آله را اطاعت نکرده و خداوند جز شیعیان را به ایمان نسبت نداده است. (ر.ک.، طبرسی، ۱۳۸۵) از امام صادق علیه السلام در مورد آیه ۱۶۰ سوره انعام سؤال شد که آیا این امر شامل مخالفان نیز می‌شود؟ ایشان در پاسخ این پاداش را مخصوص مؤمنان دانست (ر.ک.، کوفی اهوازی، ۱۴۰۴ ه.ق.) در روایتی نیز در مورد پیروان اهل بیت علیهم السلام که مرتکب گناهان کبیره شده‌اند سخن به میان آمد و امام صادق علیه السلام نیز در مورد چنین شخصی نام مؤمن را اطلاق فرمود که خداوند وی را در دنیا به مصائب مبتلا می‌کند تا بدون گناه از دنیا خارج شود (ر.ک.، اسکافی، ۱۴۰۴ ه.ق.) امام صادق علیه السلام کسی که به شش چیز یعنی، بی‌زاری از طغیانگران و ستمگران، اقرار به ولایت، ایمان به رجعت، حلال شمردن متعه، حرام دانستن مارماهی و مسح نکردن بر روی کفش اقرار کند را مؤمن خواند (ر.ک.، صدوق، ۱۳۶۲). تبیین این حقایق کمک می‌کرد تا شیعیان نسبت به هویت خود پایدارتر باشند. باید گفت که طرح فضائل به شرحی که گذشت از سوی گروه‌های دیگر با این کیفیت و کمیت برای قوام بخشیدن به هویت پیروانشان انجام نشده است. بنابراین، می‌توان طرح فضائل شیعیان را به شرحی که بیان شد، اقدامی ویژه از سوی امامین صادقین علیهم السلام دانست.

#### ۲-۴. دلداری شیعیان در مواجهه با طعنه‌ها

شیعیان در دوران امامین صادقین علیهم السلام نسبت به فرق غیرشیعی در اقلیت بودند و حکومت بنی امیه و بنی عباس را نیز مشروع نمی‌دانستند. بنابراین، از طرف حکومت و فرق غیرشیعی با مشکلات و سختی‌های مختلفی در جامعه مواجه بودند. ائمه علیهم السلام در برابر این مشکلات آنها را دلداری داده و راهکارهایی به آنها ارائه می‌دادند. متهم کردن شیعیان به گناهان و خطاب کردن آنها با عناوین و کلماتی که ناراحتی آنها را به دنبال داشت از جمله این مشکلات بود. برای ابوالصباح کنانی امام صادق علیه السلام را از سرزنش شدنش هنگام گفت‌وگو با (عامه) مردم با عبارت «جعفری خبیث» باخبر کرد. (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۲/۷۷) این خبر بیانگر خبیث‌خوانی همه پیروان امام صادق علیه السلام از سوی عامه مردم نیست؛ زیرا عامه مردم برخی شیعیانی را که کم‌تقوایی می‌کردند، خبیثی از میان جعفریان می‌خواند و امام صادق علیه السلام نیز در مقابل این طعنه‌ها فرمود: «مَا أَقَلَّ وَاللَّهِ مَنْ يَسْبُحُ جَعْفَرًا مِنْكُمْ؛ اصحاب من را با نشانه ورع بشناسید» (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۲/۷۷). مرحوم کلینی نیز این خبر را در باب ورع آورده است.



بنابر گزارشی علقمه نیز امام صادق علیه السلام را نسبت به متهم شدن ایشان به گناهان بزرگ از سوی مردم و دلتنگ شدن از این موضوع با خبر کرد. آن حضرت در مقابل این خبر فرمود: «رضایت همه مردم را نمی توان به دست آورد و زبانشان را نمی توان ضبط و کنترل کرد. چگونه سالم بمانید از آنچه پیامبران و رسولان و حجت های او سالم نماندند» (صدق، ۱۳۷۶، ۱۰۲/۱).

واژه رافضه نیز عنوانی بود که مخالفان شیعیان در دوران امامین صادقین علیه السلام برای طعن و تحقیر شیعیان برای ایشان به کار می بردند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه.ق، ۱۵۷/۷) شیعیان گاه از چنین خطابی دلگیری می شدند و آن را نزد امامین صادقین علیه السلام بازگو می کردند که با دلگرمی و دلداری ایشان روبه رو می شدند. فردی امام باقر علیه السلام را از این امر مطلع کرد و آن حضرت نیز با اشاره به سینه خود، سه مرتبه خود را از رافضه دانست (ر.ک.، برقی، ۱۳۷۱، ۱۵۷/۱). ابوبصیر نیز امام باقر علیه السلام را از نامیده شدن به رافضی و حلال شدن جان و مال و آزارشان توسط حاکمان با این نام آگاه کرد. آن حضرت نیز به اطلاق شدن نام رافضه توسط حضرت موسی علیه السلام بر هفتاد مرد جدا شده از لشکر فرعون که بیش از سایر قوم موسی علیه السلام در دینشان استوار و هارون علیه السلام را دوست داشتند، اشاره کرد و در پایان فرمود: «خداوند همین نام را به شما (شیعه) نیز داده است» (برقی، ۱۳۷۱، ۱۵۷/۱). امام صادق علیه السلام در بیان دیگری این نام (رافضه) را اسم بسیار خوبی دانست که چون مورد عنایت خدا قرار گرفته اند این عنوان به آنها عطا شده است، البته تا زمانی که از گفتار ایشان پیروی و بر ایشان دروغ نبندند (برقی، ۱۳۷۱، ۱۵۷/۱). بنابر گزارشی ابن ابی لیلی، قاضی کوفه، با رافضی خواندن عمار دهنی، شهادت وی را نپذیرفت و او را به دست برداشتن از مذهبش در صورت ناخرسندی از این نام توصیه کرد. عمار نیز به سخن امام صادق علیه السلام درباره این کلمه اشاره کرد. حضرت با شنیدن این خبر، سخنان عمار را موجب محو گناهانش و ازدیاد حسناتش دانست (منسوب به امام عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹ ه.ق، ۳۱۰/۱). بنابر روایتی دیگر یونس بن عمار از همسایه قریشی خود نزد امام صادق علیه السلام شکایت کرد که هر جا می روم جار می زند این رافضی اموالش را برای جعفر بن محمد می فرستد. حضرت نیز وی را به نفرین همسایه اش در نماز شب و گفتن عباراتی در سجده دوم رکعت دوم، توصیه فرمود. وقتی یونس به کوفه بازگشت از مریضی و سپس مرگ همسایه اش مطلع شد (ر.ک.،

## ۵. راهبرد تقویت و تداوم نام و یاد اهل بیت علیهم السلام

مقابله با یاد و نام اهل بیت علیهم السلام از موضوعاتی بود که از ابتدا بنی امیه بر آن اهتمام ویژه‌ای داشتند. (جمشیدی‌ها، روحانی و علم‌الهدی، ۱۳۹۰؛ محمدی ری‌شهری و جمعی از همکاران، ۱۳۸۲، ۱۲/۴۶۱) امامین صادقین علیهم السلام نیز در دوران امامت خود جایگاه و موقعیت ویژه‌ای نزد شیعیان داشتند تا جایی که به‌کار بردن عباراتی مانند «المفتون به اهل العراق» (مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲/۱۶۳)، «امام اهل العراق» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۶/۴۲۹) و «نبی اهل الکوفه» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۸/۱۲۰) در مورد امام باقر علیهم السلام گزارش شده است. تعداد بالای شاگردان و اصحاب امام صادق علیهم السلام (ر.ک.، اربلی، ۱۳۸۱، ۲/۱۶۶) و مراجعه افراد بسیار به ایشان (ر.ک.، ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ۴/۲۳۸) نیز نشان از جایگاه ویژه ایشان در میان شیعیان دارد، اما حکومت، موافق این نوع محوریت یافتن اهل بیت علیهم السلام نبود و اقدام به مقابله با جایگاه اهل بیت علیهم السلام و مخالفت با گسترش یاد ایشان کرد. برای نمونه برخی حاکمان به احضار امامین صادقین علیهم السلام به مقر خلافت خود اقدام می‌کردند (ر.ک.، کافی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۸۱/۴۷۸؛ صدوق، ۱۳۸۵، ۲/۳۴۷) تا به خیال خود ایشان را تحقیر کنند. همچنین هشام بن عبدالملک عبارت نامناسبی را در مورد امام باقر علیهم السلام به‌کار می‌برد (ر.ک.، صدوق، ۱۳۷۸، ۱/۲۱۲). براساس روایتی به‌دستور منصور منزل امام صادق علیهم السلام را آتش زدند (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳/۴۷۳؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ۴/۲۳۶) و همچنین برای تضعیف جایگاه امام صادق علیهم السلام به ابوحنیفه دستور داد تا سؤالات مشکلی طرح نموده و از آن حضرت پرسیده شود (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ۳/۳۷۸). این محدودیت‌ها گاه به‌اوج می‌رسید تا جایی که حتی امام صادق علیهم السلام از مجالست و گفت‌وگو با برخی پیروان فرق غیرشیعی در مسجدالحرام خودداری می‌نمود (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۸/۲۷۰). باوجود ایجاد محدودیت‌ها توسط حکومت اموی و عباسی (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۸/۲۱۵؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵، ۱۱/۴۳) امامین صادقین علیهم السلام تلاش کردند با طرح راهبردها و انجام اقداماتی نام و یاد اهل بیت علیهم السلام را زنده نگه دارند.

### ۵-۱. تشکیل مجالس بزرگداشت یاد و نام اهل بیت علیهم السلام

تأکید بر احیای امر اهل بیت علیهم السلام از مسائلی است که در بیانات امامین صادقین علیهم السلام اشاره شده و حضرات برای تحقق آن به برگزاری مجالس و اجتماعات سفارش کردند. برای نمونه امام باقر علیهم السلام شیعیان را کسانی دانست که برای زنده نگاه داشتن امر ایشان به دیدار



یکدیگر می‌روند. (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲/۲۳۷). آن حضرت در بیان دیگری پس از توصیه به ملاقات با یکدیگر آن را سبب زنده نگه داشتن امرشان برمی‌شمرد (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲/۱۷۶). زمانی که امام باقر علیه السلام برای احیاکنندگان این امر دعا نمود، راوی از کیفیت چگونگی این موضوع سؤال کرد. آن حضرت پاسخ داد: «با گفت‌وگوها و یادآوری‌های دوطرفه» (کوفی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۲/۲۹۶). این موضوع چنان مهم بود که امام باقر علیه السلام به حضور خود در مجالسی که شیعیان با یکدیگر خلوت و گفت‌وگو می‌کنند، اظهار تمایل داشت (ر.ک.، کافی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲/۱۸۷). امام صادق علیه السلام نیز با توصیه به ملاقات و زیارت یکدیگر به یادآوری امر خود و احیای آن سفارش نمود (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲/۱۷۵). امام صادق علیه السلام خطاب به یکی از شیعیان فرمود: «من این مجالس را دوست دارم. پس امر ما را احیا کنید. رحمت خدا بر آنکه امر ما را زنده بدارد» (حمیری، ۱۴۱۳ هـ.ق، ص ۲۶). ایشان با دعا برای بنده‌ای که با فرد دیگری اجتماع کرده و از ائمه یاد کند، اجتماع و سخن گفتن درباره امرشان را زنده کردن (امر) شان دانست و کسی را که از ایشان یاد کند و دیگران را به یاد ایشان فراخواند بهترین مردم معرفی کرد (ر.ک.، طوسی، ۱۴۱۴ هـ.ق). همچنین امام صادق علیه السلام در بیان دیگری با توصیه به ملاقات با یکدیگر و گفت‌وگوی علمی، حدیث و مذاکره علم را احیای یاد خود دانست (ر.ک.، ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۴/۶۷). نکته قابل استفاده از این روایات این است که امامین صادقین علیهم السلام بر ملاقات و اجتماع شیعیان با یکدیگر و یاد نمودن از ایشان تأکید داشتند و این مسئله را موجب احیای امر خود می‌دانستند.

## ۵-۲. تشویق به سرودن شعر در مورد اهل بیت علیهم السلام

شعر در دوران ائمه علیهم السلام ابزار رسانه برای انتقال مفاهیم با موضوعات مختلف سیاسی، کلامی و اجتماعی بود و شعرا با استفاده از آن از باورهای خود دفاع کرده و باورهای مخالفانشان را نقد و رد می‌کردند. شعر از نظر تأثیرگذاری عمیق و وسیع در مخاطبان و ماندگاری بیشتر آن در حافظه‌ها اهمیت بسزایی دارد. امامین صادقین علیهم السلام در مواجهه با شاعرانی که در مدح و دفاع از اهل بیت علیهم السلام شعر می‌گفتند، آنها را تشویق و با بیان جملاتی از آنها تقدیر می‌کردند. امام باقر علیه السلام خطاب به کمیت که اشعاری در مدح اهل بیت علیهم السلام و واقعه کربلا سرود، فرمود: «ای کمیت! به خدا سوگند! اگر ما مالی می‌داشتیم به تو می‌دادیم، ولی از آن توست آنچه پیامبر اکرم (ص) درباره حسان بن ثابت فرمود. مادامی که از ما دفاع می‌کنی پیوسته روح القدس



با توست» (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۱۰۲/۸). بنابر گزارش دیگری امام باقر علیه السلام پس از شنیدن شعر کمیت در مسجد الحرام، رو به کعبه برای وی دعا کرد و به درخواست کمیت، پیراهنی از خود را به او عطا فرمود (ر.ک.، ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۱۹۷/۴). امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس یک بیت درباره اهل بیت علیهم السلام بسراید خداوند در بهشت برای او خانه‌ای می‌سازد» (صدق، ۱۳۷۸، ۷/۱). حضرت پس از سرودن اشعاری توسط کمیت برای وی چنین دعا کرد: «خدایا! گناهان گذشته، آینده و پنهان و آشکار کمیت را بخشای تا جایی که وی خشنود شود» (ابوالفرج اصفهانی، بی تا، ۲۰/۱۷). امام صادق علیه السلام همچنین شاعرانی را به خواندن اشعاری در مورد امام حسین علیه السلام امر کرد و سپس از شاعر تقدیر کرد. جعفر بن عفان طائی، ابوهارون مکفوف و ابوعمار منشد از این شاعران بودند که بعد از سرودن شعر از آنها تقدیر شد و حضرت به یادش و اجر سرودن اشعار در مورد امام حسین علیه السلام اشاره فرمود (کشی، ۱۳۶۳، ۲۸۹/۱).

## ۶. راهبرد تقویت بنیه علمی شیعیان

در دوران امامین صادقین علیهم السلام فرقه‌های مختلفی مانند خوارج، معتزله، مرجئه و اهل حدیث در مناطق مختلف مملکت اسلامی فعالیت می‌کردند و ممکن بود شیعیان از باورها و آرای آنها تأثیر بگیرند. برخی سران این فرقه‌ها در جامعه اسلامی از حمایت حاکمان برخوردار بوده و یا شاگردان و اصحاب بسیاری در اطراف خود داشتند. مالک بن انس مورد حمایت منصور عباسی قرار گرفت (ابن خلکان، ۱۹۶۸، ۱۳۵/۳) و به دستور وی **کتاب فقهی موطأ** را تألیف کرد تا فتاوایش مبنا قرار گیرد (ذهبی، بی تا، ۲۱۲/۱). ابوحنیفه از سران مرجئه در کوفه فعالیت داشت و توسط امامین صادقین علیهم السلام با عبارت «رجل مشهور» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۱۹۹/۴) و «مفتی اهل العراق» (طبرسی، ۱۳۶۸، ۱۱۵/۲) خطاب شد. معتزله به ترویج باورهایشان با فرستادن مبلغان به برخی مناطق مانند کوفه که محل تجمع شیعیان بود، مبادرت کردند (ابن مرتضی، بی تا). نفوذ و فعالیت سران فرقه‌ها چالش مهم و خطرناکی برای شیعیان بود که اقداماتی از سوی امامین صادقین علیهم السلام را ذیل راهبرد تقویت بنیه علمی شیعیان به دنبال داشت.

### ۶-۱. تشویق به علم‌آموزی در مکتب اهل بیت علیهم السلام

امامین صادقین علیهم السلام بر طلب علم و تفقه در دین تأکید فراوانی داشتند و شیعیانشان را



به فراگیری معارف اهل بیت علیهم السلام تشویق می‌کردند. شیعیان پس از فراگیری علوم علاوه بر آنکه در برابر انحرافات، شبهات و ادعاهای دیگر فرق اسلامی مقاوم شده و دچار تزلزل نمی‌شدند، می‌توانستند در قامت یک مبلغ، معارف دینی را به دیگر مسلمانان از شیعه و غیرشیعه منتقل کنند. برای نمونه امام باقر علیه السلام یکی از نشانه‌های کمال فرد را تفقه در دین دانست (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۲/۱) و فرمود: «اگر یک جوان شیعه را نزد من بیاورند که تفقه در دین نمی‌کند او را تأدیب می‌کنم» (برقی، ۱۳۷۱/۱، ۲۲۸). حضرت ارزش عالمی که دیگران از علمش بهره می‌برد را بیشتر از هفتاد عابد (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۳/۱) و همچنین مرگ یک عالم را در نزد شیطان محبوب‌تر از مرگ هفتاد عابد (ر.ک.، اربلی، ۱۳۸۱/۲، ۱۳۲) دانست. امام صادق علیه السلام نیز با اشاره به سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم طلب علم را واجب دانست (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۰/۱) و علما را وارثان انبیا (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۲/۱) و شخص عالم در میان نادانان را مانند زنده در میان مردگان برشمرد (طوسی، ۱۴۱۴ هـ.ق). ایشان در مورد فضیلت طلب علم فرمود: «هر کس برای خدا علم را بیاموزد، به آن عمل کند و به دیگران بیاموزاند در مقام‌های بلند آسمان‌ها از وی به بزرگی یاد می‌کنند» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۵/۱). ایشان نیز همانند پدرش بر تفقه در دین تأکید داشت (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۱/۱) و در مورد اهمیت تفقه در دین توسط اصحابش فرمود: «اگر اصحابم به تفقه در دین و فقاقت نپردازند، می‌پسندم که با تازیانه بر سر آنان کوبیده شود» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۷/۱).

به نظر می‌رسد امام صادق علیه السلام در بیانی به یکی از دلایل اهمیت تفقه در دین اشاره کرد و فرمود: «هر کس از یاران ما که فقه نداند خیری در او نیست. همانا هر کس از یاران ما که با دانستن فقه، خود را بی‌نیاز نکرده باشد به آنان (عامه) نیازمند می‌شود و چون نیازمند آنان گردد او را به گمراهی می‌کشاند در حالی که خود نمی‌داند» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۳/۱). آن حضرت مراتب شیعیان را به شناختن میزان روایت آنها از احادیث اهل بیت علیهم السلام و معرفتشان به آن احادیث دانست (ر.ک.، کشی، ۱۳۶۳، ۶/۱). ایشان در بیانی دیگر هم و غم شیعیان را یادگیری معالم و آثار دینشان دانست (ر.ک.، صدوق، ۱۳۶۲) و شیعه‌ای را که احادیث ایشان را روایت کرده و موجب استواری دل‌های شیعیان گردد از هزار عابد بهتر برشمرد (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۳/۱). آن حضرت برای پیشگیری از انحراف فکری فرزندان به شیعیان سفارش می‌کرد تا قبل از آنکه مرجئه آنها را به انحراف کشانند حدیث را به آنان بیاموزند (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴۷/۶).

## ۲-۶. تربیت شاگردان

اقدام دیگر امامین صادقین علیه السلام که می توانست در تقویت بنیه علمی شیعیان و عبور از چالش های مذهبی مؤثر باشد تربیت شاگردان بود. تعلیم آموزه های اصیل و تربیت شاگردان می توانست از رجوع شیعیان به سران دیگر فرق جلوگیری کرده و زمینه ساز فعالیت تبلیغی شیعیان در میان عامه شود. بنابر سخن امام صادق علیه السلام به دنبال اقدامات پدر بزرگوارش در تبیین مناسک حج و حلال و حرام، شیعیان از سایر مردم بی نیاز شده و پس از آن، این عامه بودند که به شیعیان نیازمند شدند. (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۲/۲۰) با این فرض که نفس روایت کردن، نوعی ارتباط و استفاده علمی از ائمه علیهم السلام است در کتاب *رجال برقی* راویان امام باقر علیه السلام ۱۸۷ نفر و در کتاب *رجال طوسی* ۴۶۷ نفر دانسته شده است. امام صادق علیه السلام در مورد اصحاب پدرش فرمود: «اصحاب پدرم در زنده نگه داشتن یاد ما زینت ما بودند. زارة، محمد بن مسلم، ابو بصیر مرادی و برید عجلی، برپادارنده عدل، راست گوین، مقربان ما، میخ هایی در زمین و نشانه های دین، برگزیدگان و امینان خداوند بر حلال و حرام هستند. اگر اینان نبودند آثار نبوت قطع می شد و از بین می رفت» (کشی، ۱۳۶۳/۱، ۳۹۸).

تربیت نیروی انسانی متخصص از اقدامات مهم امام صادق علیه السلام در این مورد بود. برخی منابع، شمار افرادی را که از امام صادق علیه السلام حدیث شنیده اند حدود چهار هزار نفر دانسته اند. (ر.ک.، مفید، ۱۴۱۳ ه.ق، ۲/۱۳۹) برای نمونه محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام سی هزار و از امام صادق علیه السلام شانزده هزار حدیث سؤال و دریافت کرده است (ر.ک.، کشی، ۱۳۶۳/۱، ۳۸۶). ابان بن تغلب احادیث بسیاری را از امام صادق علیه السلام شنیده است (ر.ک.، صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ۴/۴۳۵). بنابر گزارشی هشام بن حکم در مورد ۵۰۰ مطلب کلامی از امام صادق علیه السلام سؤال می کند (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۱/۲۶۲). در سایه تعلیمات حضرات، اصحابی مانند زراره، ابان بن تغلب، محمد بن مسلم و ابوبصیر در فقه و افرادی مانند هشام بن حکم و مؤمن الطاق در کلام و عقاید تخصص یافتند. تخصص اصحاب را می توان در گزارشی که به مراجعه فرد شامی نزد امام صادق علیه السلام برای مناظره اشاره دارد، ملاحظه کرد. آن حضرت وی را در هریک از موضوعات علمی مانند فقه و کلام به یکی از اصحابش ارجاع داد (ر.ک.، کشی، ۱۳۶۳/۲، ۵۵۴). برخی اصحاب امام صادق علیه السلام به قدری از علم ایشان بهره برده بودند که از سوی آن حضرت برای پاسخ گویی



به سؤالات شیعیان معرفی می شدند. این موضوع با توجه به دوری مسافت محل زندگانی بسیاری از شیعیان از محل سکونت امام صادق علیه السلام که در مدینه بود اهمیت به سزایی داشت. امام صادق علیه السلام در پاسخ به یکی از شیعیان خود که سؤال می کند: «هنگامی که سؤالی برای ما پیش می آید به چه کسی مراجعه کنیم؟» می فرماید: «به سراغ اسدی برو». منظور امام صادق علیه السلام از اسدی، ابوبصیر بود (کشی، ۱۳۶۳/۱، ۴۰۰). آن حضرت در موقعیت دیگری می فرماید: «چرا به محمد بن مسلم ثقفی مراجعه نمی کنید که او پیش پدرم وجیه و محترم بود و از آن حضرت حدیث شنیده بود» (کشی، ۱۳۶۳/۱، ۳۸۳). همچنین عبدالله بن ابی یعفور را به محمد بن مسلم و زید شحام را به ابی یعفور و حران بن اعین، (کشی، ۱۳۶۳/۱، ۲۸۳ و ۴۱۸) سلیم بن ابی حیه را به ابان بن تغلب در کوفه، (نجاشی، ۱۳۶۵) برخی از مردم را به ابوبصیر اسدی (کشی، ۱۳۶۳/۱، ۴۰۰) و زراره (کشی، ۱۳۶۳/۱، ۳۴۷) ارجاع داد. در گزارش دیگری، آن حضرت، عبدالرحمان بن حجاج را درباره حکم محرم کردن نوزاد به همسرش حمیده ارجاع داد (ر.ک.، طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵/۴۱۰). آموزش چگونگی مناظره و تذکر اشکالات از دیگر ابعاد تربیت علمی برخی شاگردان امامین صادقین علیهم السلام است. در بیانی امام صادق علیه السلام به محمد بن نعمان می فرماید: «با فرقه های دیگر مناظره کنید و هدایتی که بر آن هستید و ضلالت آنها را برایشان بیان کنید و با آنها در مورد حضرت علی علیه السلام مباحله کنید» (مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق). ایشان چگونگی مناظره و مباحثه با بزرگان فرق دیگر را به اصحاب خود آموزش داده و در این مورد توصیه هایی به آنها می کرد. چنانچه هشام بن حکم پس از شرح مناظره خود با عمرو بن عبید، از سران معتزله، به آموختن این مطالب از امام صادق علیه السلام اشاره کرده است (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱/۱۶۹). امام صادق علیه السلام مناظرات اصحاب خود با پیروان فرق را بررسی و آن را تأیید یا نواقص و اشکالات آن را گوشزد می کرد. چنانچه منصور بن حازم مناظره خود را برای حضرت شرح داده و حضرت آن را تأیید کرد (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱/۲۳۷). بنابر نقلی دیگر، مؤمن طاق بر حضرت وارد شد و حضرت پس از سؤال از چگونگی مناظره وی با مردم، شیوه مناظره را به او تعلیم داد (ر.ک.، کشی، ۱۳۶۳/۲، ۲۲۲). همچنین در مواردی بر روش مناظره مؤمن اشکال کرده و به وی تذکر می داد (ر.ک.، کشی، ۱۳۶۳/۲، ۲۲۲).

## ۷. راهبرد تقویت بنیه عبودیت شیعیان

یکی از مهمترین چالش‌های پیش روی شیعه با سابقه‌ای قابل توجه، حضور گروه‌هایی بود که خطر اباحه‌گری و دور کردن شیعه از جهت‌گیری عبادت و بندگی خداوند را به دنبال داشتند. از جمله این گروه‌ها، غالیان بودند که امیرالمؤمنین و فرزندان او را به الوهیت و نبوت توصیف کرده و آنها را به چنان فضیلتی در دین و دنیا ستودند که در آن از اندازه بیرون رفته و از مرز اعتدال فراتر رفتند. (ر.ک. مفید، ۱۴۱۴ ه.ق) در این نوع از چالش، خطر دیگری نیز وجود داشت؛ حضور چنین افرادی در جامعه که خود را منتسب به اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانستند، می‌توانست علاوه بر آنکه سبب انحرافات فکری و عملی شیعه شود، سبب دستکاری و تخریب هویت شیعه در منظر دیگر فرق اسلامی گردد. چنان‌که بنا بر گزارشی به دلیل اقدامات برخی اباحه‌گرایان که احادیث جعلی را به امام صادق علیه‌السلام نسبت داده و شناخت امام را جایگزین انجام واجبات می‌دانستند، موقعیت آن حضرت نزد برخی ضعیف شده و احادیث ایشان را نمی‌پذیرفتند (ر.ک. کشی، ۱۳۶۲، ۶۱۶/۲). بنابراین، به نظر می‌رسد برخی اقدامات قوام‌بخش امامین صادقین علیهم‌السلام به هویت شیعه را می‌توان برای تقویت بنیه عبودیت و بندگی خداوند البته با فرض چالش یادشده دانست.

### ۷-۱. تأکید بر پایبندی به احکام و ضوابط دینی

به نظر می‌رسد یکی از دلایل تأکید بسیار امامین صادقین علیهم‌السلام بر پیروی شیعیان از دستورات الهی و پرهیزکاری و اشاره به این موضوع در هنگام برشمردن ویژگی‌های شیعیان، واکنشی در برابر گرایش اباحه‌گرایانه گروه‌های یادشده بود که خود را منتسب به تشیع می‌دانستند. برای نمونه، امام باقر علیه‌السلام شیعیان را کسانی می‌دانست که خدا را اطاعت می‌کنند. (ر.ک. طوسی، ۱۴۱۴ ه.ق) وی در عبارتی برای معرفی شیعیان تأکید می‌کند که آنها افراد متقی و مطیع خداوند هستند (ر.ک. صدوق، ۱۳۶۲). ایشان در بیان دیگری به خثیمه فرمود تا به شیعیان ابلاغ کند که جز با عمل به آنچه نزد خداست، نمی‌رسند و اگر به آنچه دستور داده شده‌اند، عمل کنند در روز قیامت رستگار خواهند شد (ر.ک. طوسی، ۱۴۱۴ ه.ق). امام باقر علیه‌السلام در بیانی خطاب به جابرین یزید جعفی در این باره می‌فرماید: «آیا کفایت می‌کند کسی ادعای تشیع کند و بگوید ما اهل بیت علیهم‌السلام را دوست داریم. به خدا! شیعه ما نیست مگر کسی که از خدا پروا



کند و او را اطاعت کند» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲/۷۴؛ صدوق، ۱۳۶۲). ایشان خشکی لب‌ها در اثر روزه‌داری، چسبیدن شکم‌ها به پشت، زرد شدن رخساره، سجده بر زمین همراه با چشمانی گریان در هنگام شب و تلاوت بسیار نماز و دعا و تلاوت زیاد قرآن و اندوهگین بودن را (ر.ک.، صدوق، ۱۳۶۲) ویژگی‌های شیعه امام علی (علیه السلام) می‌داند. امام صادق (علیه السلام) نیز در بیانات متعددی تقوی و پرهیزکاری را از ویژگی‌های اصحابش برشمرده (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲/۷۷؛ کشی، ۱۳۶۳) و شیعیان را افرادی پرهیزکار، کوشا در کار خیر، وفادار، امانت‌دار و اهل زهد و عبادت برشمرد. آنان که زکات مالشان را می‌دهند و حج خانه خدا را به جا آورده و از هر کار حرامی دوری می‌کنند (ر.ک.، صدوق، ۱۳۶۲).

امام صادق (علیه السلام) در قسمتی از بیان خود به ویژگی‌های شیعه جعفری (علیه السلام) اشاره کرده و در مقام تبیین آنها بازداشتن شکم و فرج از حرام، شدت جهاد، انجام اعمال برای خالق و امید به ثواب و هراس از عقاب را برشمرده است. همچنین آن حضرت مشخصه‌های محافظت از اوقات نماز، حفظ اسرار اهل بیت (علیهم السلام) نزد دشمن و مواسات به اموال نسبت به برادران دینی را از اموری دانست که شیعیان با آن آزمایش می‌شوند (ر.ک.، صدوق، ۱۳۶۲/۱، ۱۹۳). آن حضرت پس از آنکه اخبار اباحه‌گری برخی به اطلاعش رسید در قسمتی از نامه خود به شیعیان فرمود: «آیا آنان سخن خداوند را که فرموده است: "قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ" (اعراف: ۳۳) و قول خداوند که فرمود: "وَذُرُوا ظَاهِرَ الْأَعْمَىٰ وَ بَاطِنَهُ" (انعام: ۱۲۰) را نشنیده‌اند؟» (قاضی نعمان مغربی، ۱۳۸۵، ۵۲/۱).

## ۲-۷. جلوگیری از هر نوع سویه اباحی‌گری در شیعه

امامین صادقین (علیهم السلام) برای قوام بخشی به بنیان هویت شیعه که توحید و عبودیت است، تلاش می‌کردند تا شیعه حتی با غالیان که خود را بخشی از شیعه می‌دانستند نیز ارتباطی برقرار نکنند. ایشان با توصیه به مراقبت از خود برای عدم گمراهی در برابر مذاهب باطل، شیعه بودن را جز از کسی که خدای بزرگ را اطاعت کند نفی می‌کرد. (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲/۷۲) از این رو، به لعن، برائت، و نهی از هم‌نشینی با غالیان مبادرت داشتند (ر.ک.، کشی، ۱۳۶۳، ۵۹۰/۲). برخی اقدامات نیز صورتی تبیینی داشت؛ برای نمونه وقتی عده‌ای از غالیان با استناد به عبارت «وقتی امام (یا حق) را شناختی هر کاری را که می‌خواهی انجام بده» تکالیف الهی را

واجب نمی دانستند، امام صادق علیه السلام در مواجهه با این تفکر به تفسیر صحیح این روایت اشاره و تأکید کرد که معرفت به امام لازمه قبولی اعمال بوده و با چنین معرفتی اعمال انسان پذیرفته شده و این معرفت هرگز سبب کنار گذاشتن تکالیف دینی نمی شود (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۲/۴۶۴). بنابراین گزارش دیگری وقتی مفضل بن عمر به امام صادق علیه السلام خبر داد که مغیره بن سعید گفته است: «اگر بنده‌ای پروردگار خود را بشناسد، کفایت می‌کند و دیگر انجام تکالیف الهی بر او واجب نیست»، امام صادق علیه السلام با تعجب از این سخن و لعن مغیره، بیشتر شدن معرفت و شناخت بنده نسبت به خدا را موجب افزایش فرمان برداری و ترک واجبات و انجام محرمات را سبب برداشته شدن رحمت الهی دانست (ر.ک.، صدوق، ۱۴۰۶هـ.ق). صورت دیگری از این نوع اقدام از این مسیر بود که باید شیعه نزد سایر مذاهب به نیکویی یاد شوند. امام صادق علیه السلام در همین رابطه به شیعیان فرمود: «مایه زینت و زیبایی ما باشید نه اینکه باعث سرزنش (و سرافکندگی) ما خاندان شوید. با مردم به نیکی سخن بگویید و مراقب زبان خود باشید و آن را از گفتار بیهوده و سخن زشت بازدارید» (قاضی نعمان مغربی، ۱۴۰۹هـ.ق، ۳/۵۸۵؛ صدوق، ۱۳۷۶). آن حضرت در بیان دیگری توصیه می‌کرد: «ما را با نوع عمل و رفتار خود نزد مردم محبوب و دوست داشتنی کنید و سبب کینه و نفرت آنها نسبت به ما نشوید» (صدوق، ۱۳۶۲).

## ۸. نتیجه‌گیری

هویت شیعیان در طول تاریخ همواره با چالش‌ها و خطرانی مواجه بوده است که می‌توانست آسیب‌های مخربی را بر آن وارد کرده و موجب جذب شیعیان به دیگر هویت‌ها شود. این چالش‌ها به‌ویژه در عصر امامین صادقین علیه السلام و با توجه به شرایط آن دوره به‌طور جدی مطرح بود. در پژوهش حاضر به این مسئله پاسخ داده شد که امامین صادقین علیه السلام در مواجهه با این چالش‌ها و برای قوام بخشی به شیعیان چه راهبردهایی را اتخاذ کردند؟ به عبارت دقیق‌تر، کدام یک از اقدامات امامین صادقین علیه السلام به مثابه راهبردی در برابر چالش‌های آن دوران قابل طرح، بررسی و تحلیل است؟ راهبردهای قوام بخش هویتی چند ویژگی مشترک دارند که عبارتند از:

- راهبردهای قوام بخش هویتی اقداماتی است که شیعیان امامی را مخاطب قرار داده



- است و به عبارتی، انتظارات که از آنها می رود را مطرح کرده است؛
- راهبرهای قوام بخش هویتی اقداماتی است که وجه جمعی برای آن در نظر گرفته شده است و خطاب به تمام شیعیان است؛
  - راهبرهای قوام بخش هویتی به پیکره اجتماعی شیعیان و نه حیات فردی آنها مربوط است؛
  - راهبرهای قوام بخش هویتی در مقابله با خطر و چالش هویتی از طرف گروه های طرف تمایز قابل طرح است؛
  - راهبرهای قوام بخش هویتی مرتبط با بقا و تداوم هویت شیعی است.
- بررسی منابع و تحقیقات انجام شده نشان داد که شش محور یعنی، تقویت همبستگی میان شیعیان، حفظ شعائر و میراث فرهنگی شیعه، توجه دادن به فضائل و امتیازات شیعه، تقویت و تداوم نام و یاد اهل بیت (علیهم السلام)، تقویت بنیه علمی شیعیان و تقویت بنیه عبودیت شیعیان را می توان به صورت راهبردهای امامین صادقین (علیهم السلام) برای قوام بخشی به هویت شیعیان استخراج و ارائه کرد.

### فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۳۸۵). *شرح نهج البلاغه*. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی. قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ ه.ق). *عوالی اللئالی*. قم: دارالسیدالشهدا للنشر.
۳. ابن خلکان، احمد بن محمد بن ابی بکر (۱۹۶۸). *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*. محقق: احسان عباس. بیروت: دارالثقافه.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹). *مناقب آل ابی طالب*. قم: علامه.
۵. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۳۸۷). *التمهید*. محقق: مصطفی بن احمد العلوی، و محمد عبدالکبیر البکری. مغرب: وزارت عموم الاوقاف و الشؤون الاسلامیه.
۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). *کامل الزیارات*. نجف: دارالمرتضویه.
۷. ابن مرتضی، احمد بن یحیی (بی تا). *طبقات المعتزله*. بیروت: دارالمنتظر.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر.
۹. ابن همام اسکافی، محمد بن همام (۱۴۰۴ ه.ق). *التمحیص*. قم: مدرسه الامام المهدی (علیه السلام).
۱۰. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (بی تا). *الاعانی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد (۱۳۸۰). *الآثار الباقیه عن القرون الخالیه*. محقق: ادکیایی، پرویز. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
۱۲. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). *کشف الغمه*. تبریز: بنی هاشمی.
۱۳. اسکافی، محمد بن همام (۱۴۰۴ ه.ق). *التمحیص*. قم: مدرسه الامام المهدی (علیه السلام).
۱۴. افتخاری، اصغر (۱۳۸۳). *کالبدشکافی هویت، از مجموعه مقالات هویت در ایران*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۱۵. افروغ، عماد (۱۳۸۱). *هویت ایرانی*. تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.



۱۶. انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. تهران: سخن.
۱۷. برقی، احمدین محمد (۱۳۷۱). *المحاسن*. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. جمشیدی ها، غلامرضا، روحانی، محمدرضا، و علم الهدی، سید عبدالرسول (۱۳۹۰). پروپاگاندای بنی امیه علیه خاندان پیامبر ﷺ. *نشریه شیعه شناسی*، ۳۵ (۹)، ۷-۱۴.
۱۹. جنکیز، ریچارد (۱۳۹۴). *هویت اجتماعی*. مترجم: یاراحمدی، تورج. تهران: انتشارات شیرازه کتاب ما.
۲۰. حاجی زاده، یدالله (۱۴۰۰). *مواجهه امامان شیعه علیهم السلام با اباحه گری*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۱. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ ه.ق). *قرب الاسناد*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۲. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱). *کفایه الاثر*. تصحیح: حسینی کوهکمری، عبداللطیف. قم: بیدار.
۲۳. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ ه.ق). *تاریخ بغداد*. تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۴. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۷ ه.ق). *تاریخ الاسلام*. بیروت: دارالکتب العربی.
۲۵. ذهبی، محمد بن احمد (بی تا). *تذکره الحفاظ*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۲ ه.ق). *ربیع الابرار و نصوص الاخبار*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۷. سیدین طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ ه.ق). *اقبال الاعمال*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. سیدین طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۹ ه.ق). *فرحه الغری*. محقق: السید تحسین آل شیبیب الموسوی. قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
۲۹. شاکری، سیدرضا (۱۳۸۳). *رابطه آگاهی و هویت، از مجموعه مقالات هویت در ایران*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۳۰. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲ الف). *الخصال*. قم: جامعه مدرسین.
۳۱. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲ ب). *صفات الشیعه*. تهران: اعلمی.
۳۲. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶). *الامالی*. تهران: کتابچی.
۳۳. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا علیهم السلام*. تهران: نشر جهان.
۳۴. صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵). *علل الشرايع*. قم: کتاب فروشی داوری.
۳۵. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۶ ه.ق). *ثواب الاعمال*. قم: دارالشریف الرضی للنشر.
۳۶. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ ه.ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: انتشارات اسلامی.
۳۷. صدوق، محمد بن علی (بی تا). *فضائل الشیعه*. تهران: اعلمی.
۳۸. طبرسی، احمد بن علی (۱۳۶۸). *الاحتجاج*. نجف: دارالنعمان.
۳۹. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵). *مشکاه الانوار*. نجف: المکتبه الحیدریه.
۴۰. طبری آملی، عمادالدین (۱۳۸۳). *بشاره المصطفی*. نجف: مکتبه الحیدریه.
۴۱. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ ه.ق). *مصباح المتجهد*. بیروت: مؤسسه الفقه الشیعه.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ه.ق). *تهذیب الاحکام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ه.ق). *الامالی*. قم: دارالثقافه.
۴۴. غفوری نژاد، محمد، و مهدی زاده آری، احمد (۱۳۹۸). نقش فقه در تکوین هویت تشیع امامی. *نشریه قیسات*، ۵۹، ۸۱-۹۲.
۴۵. فکوهی، ناصر (۱۳۸۰). بررسی رابطه میان الگوهای جهانی ملی و قومی و پیامدهای اجتماعی و راهکارهای مقابله اش با اثرات سوء آن در لرستان. طرح پژوهشی تهران. *نشریه نامه علوم اجتماعی*، ۱۳ (۴)، ۱۲۷-۱۶۱.
۴۶. قاضی نعمان مغربی، محمد بن نعمان (۱۳۸۵). *دعائم الاسلام*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۷. قاضی نعمان مغربی، محمد بن نعمان (۱۴۰۹ ه.ق). *شرح الاخبار فی فضائل الانمه الاطهار*. قم: جامعه مدرسین.
۴۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۴۴ ه.ق). *تفسیر قمی*. قم: دارالکتاب.
۴۹. کشتی، محمد بن عمر (۱۳۶۳). *رجال الکتبی اختیار معرفه الرجال* (مع تعلیقات میرداماد الاسترآبادی). محقق: رجایی، مهدی. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۱. کوفی اهواری، حسین بن سعید (۱۴۰۴ ه.ق). *المؤمن*. قم: مؤسسه الامام المهدی علیه السلام.
۵۲. کوفی، محمد بن سلیمان (۱۴۱۲ ه.ق). *مناقب الامام امیرالمؤمنین علیهم السلام*. محقق: محمودی، شیخ محمد باقر. قم: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.
۵۳. محرمی، غلامحسین (۱۴۰۲). *مکتب در امتداد هدایت*. قم: حقایق اسلامی.
۵۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۲). *دانش نامه امیرالمؤمنین علیهم السلام بر پایه کتاب و سنت و تاریخ*. مترجم: مهریزی،

